



## شناسایی و تبیین مؤلفه‌های هویت‌ساز معماری آرامگاهی با نگرش فرهنگی (مورد مطالعه: آرامگاه تاریخی شیخ عبدالصمد و آرامگاه معاصر حافظ)<sup>۱</sup>

مژگان رضا پناه<sup>۲</sup>، وحید قبادیان<sup>۳\*</sup>، فرشته حبیب<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹

نوع مقاله: پژوهشی

صفحه ۱۴۹ تا ۱۶۷

### چکیده

بناهای آرامگاهی از جمله آثار معماری هستند که برگرفته از آداب و رسوم و فرهنگ و مذهب کشور خویش ایجاد شده‌اند؛ لذا برای شناخت هویت معماری و هنری نهفته در این نوع بناها می‌بایست؛ مفاهیم اجتماعی، اعتقادی، فرهنگی و... آن کشور را که در بستر ادوار تاریخی شکل گرفته، مورد بررسی قرار داد. مقاله حاضر به بازخوانی مفاهیم فرهنگی مؤثر بر شکل‌گیری هویت معماری در دو آرامگاه تاریخی شیخ عبدالصمد و معاصر حافظ شیرازی می‌پردازد. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است. هدف اصلی تحقیق شناسایی و تبیین مؤلفه‌های فرهنگی سازنده هویت در معماری آرامگاه‌های ایرانی است تا بتوان با بازیابی و به‌کارگیری آن‌ها در معماری معاصر، آرامگاه‌های امروزی را به بناهای هویت‌مند تبدیل نمود. در راستای دستیابی به هدف تحقیق مؤلفه‌های هویت‌ساز معماری و عوامل فرهنگی در تعامل میان هویت و معماری در دو بنای آرامگاهی تاریخی (آرامگاه شیخ عبدالصمد) و معاصر (آرامگاه حافظ) مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های تحقیق بیانگر این است که در هر دو بنای آرامگاهی توجه به عناصر هویت‌ساز فرهنگی اعم از: کالبد و ساختار، ارزش‌ها و هنجارهای زمان، همخوانی با بستر و انطباق با روح و روان مخاطب و نیازهای وی مورد تأکید بوده است، تغییرات فرهنگی و نوع نگاه معمار به رفع نیازهای اجتماعی - فرهنگی از جمله عواملی است که موجب تفاوت در معماری دو بنا شده است. نتایج تحقیق نشان‌دهنده آن است که تلفیق عناصر کالبدی سنتی و معاصر در فرم، مصالح و هندسه و همچنین به‌کارگیری الگوی باغ و کوشک، عناصر اربعه طبیعت (خاک، آب، باد و آتش) می‌تواند ضمن احیای هویت معماری و فرهنگ غنی ایرانی اسلامی، پایداری بنا را نیز به همراه داشته باشد.

**واژگان کلیدی:** هویت، فرهنگ، معماری آرامگاهی، آرامگاه حافظ، آرامگاه شیخ عبدالصمد

<sup>۱</sup> این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان تبیین مولفه‌های هویت معماری ایرانی در آرامگاه‌های ایران با نگرش فرهنگی در عصر متاورس) است که به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد امارات متحده عربی آماده دفاع می‌باشد.

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری، گروه معماری، دانشکده معماری، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

v.ghobad@yahoo.com

<sup>۳</sup> دانشیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

<sup>۴</sup> استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

## ۱. مقدمه

در جهان امروز و با ظهور سبک‌های متعدد معماری و پیشرفت فناوری، بسیاری از ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی ایرانی - اسلامی در معماری بومی ایران به حاشیه رفته و فراموش شده است؛ این در حالی است که هر اندیشه و سبک معماری باید در ادامه اندیشه‌ها، اهداف و الگوهای گذشته خویش باشد (قهرمانی، ۱۳۹۶: ۳). از سوی دیگر معماری، یکی از کهن‌ترین هنرهای بشری است که با مفاهیم اسلامی سازگار شده است و منبعی کامل از آموزه‌ها و الگوهای باارزش برای زندگی امروزه مردم این سرزمین و معماری معاصر ایران به شمار می‌آید. معماری آرامگاهی در میان گونه‌های مختلف معماری جایگاه خاصی دارد. این جایگاه و اهمیت، مرهون ارتباط تنگاتنگ آن با فرهنگ عامه است (رحمتی زاده، سلطان زاده، اعتصام و مختاباد امرئی، ۱۳۹۸: ۶۲). اما امروزه در بناهای آرامگاهی معاصر باتوجه به پیشرفت روزافزون فناوری ساخت‌وساز و رشد چشمگیر انواع مصالح، وسایل ساخت‌وساز و تقلید از غرب، مؤلفه فرهنگی و هویتی هر مرزوبوم، به دست فراموشی سپرده شده است؛ این امر در کالبد فضا و مکان بناهایی نظیر آرامگاه‌ها - که معرف هویت ایران هستند، نیز قابل مشاهده است. در دهه‌های اخیر، با تغییر سبک زندگی که تقریباً همه جنبه‌های آیینی، مذهبی، اجتماعی، فرهنگی و... انسان‌ها را دربر گرفته است؛ طراحی بناهای دوران معاصر نیز با رویکردهای مختلفی صورت پذیرفته است که همه آن‌ها قابل ستایش نیست، چراکه به لحاظ تاریخ، معماری کشوری ارزش بررسی را دارد که کنار نقش پیشکسوتانه خود بهره‌مندی از اصول هویتی و فرهنگی آن کشور را زیر پا گذاشته باشد؛ به‌ویژه زمانی که صحبت از بناهای آرامگاهی باشد که اهمیت این بناهای فرهنگی به دلیل ارتباط تنگاتنگ آن‌ها با فرهنگ عامه آن کشور است. این‌گونه معماری ارتباط مستقیم با جهان بینی و اقتصاد جامعه خود دارد. توجه به معماری آرامگاهی را می‌توان معلول دو عامل خودشناسی و اعتقاد به جهان بعد از مرگ دانست (مؤمنی دهقی، ۱۳۹۷: ۲۷).

لذا باتوجه به آنکه معماری معاصر ایران اکنون با چالش‌های فراوانی مواجه است، آرامگاه‌ها و سایر مکان‌های مقدسی که در کشورمان بنا می‌گردند، اغلب از اصول و مؤلفه‌های هویت معماری ایرانی که نشان‌دهنده هویت و فرهنگ کشورند،

بهره‌مند نیستند. معماری بناهای آرامگاهی ایران که یکی از بارزترین مشخصه‌های هویت و فرهنگ معماری ایرانی در طول تاریخ بوده‌اند، در دوران معاصر تداوم و پیوستگی هویت خود را با گذشته و فرهنگ کشورمان از دست داده‌اند و هویت ایرانی اسلامی نهفته در کالبد بناهایی نظیر آرامگاه‌ها که از طریق مصالح، سلسله‌مراتب فضایی، جهت‌گیری فرم، خوانایی فضایی، عوامل محیطی و ارتباط با زیست محیط و... القا می‌شده است، اکنون ناشناخته مانده و اتصال فرهنگی میان گذشته و حال از بین رفته است. همین امر سبب فراموشی معیارها و مؤلفه‌های هویت معماری ایرانی در بناهای آرامگاهی معاصر شده است. به‌گونه‌ای که در بناهای معاصر، دیگر خبری از گذشته هر شهر، کشور و ملت آن سرزمین نیست و بناهای معاصر به ساختمان نمایشی تبدیل شده‌اند. از این‌رو تبیین اصول و مبانی هویت معماری ایرانی با نگرش فرهنگی و بازیابی مؤلفه‌های آن در کالبد آرامگاه‌های معاصر و ارائه راهکارها و رویکردهایی در جهت بهبود هویت معماری ایرانی در آرامگاه‌های معاصر ایران امری ضروری و نیازی مبرم است. از این‌رو نویسندگان تحقیق حاضر با انتخاب دو نمونه بنای تاریخی و معاصر به بررسی مؤلفه‌های هویت‌ساز معماری ایرانی در آرامگاه تاریخی شیخ عبدالصمد نطنز و آرامگاه معاصر شیخ حافظ شیرازی و مقایسه آن‌ها با یکدیگر می‌پردازند تا پیوند میان هویت، فرهنگ و بنا مورد شناسایی قرار داده و برای بازیابی این مؤلفه‌ها در بناهای معاصر راهکاری ارائه نمایند. بر این اساس هدف اصلی پژوهش شناسایی و تبیین مؤلفه‌های هویت فرهنگی در معماری آرامگاه معاصر حافظ و مقایسه آن با آرامگاه تاریخی شیخ عبدالصمد است و در راستای دستیابی به هدف تحقیق دو سؤال اصلی به شرح زیر مطرح می‌گردد: ۱- از دیدگاه فرهنگی مؤلفه‌های سازنده هویت معماری ایرانی در آرامگاه‌ها کدام‌اند؟ ۲- مؤلفه‌های هویت‌ساز فرهنگی در معماری آرامگاه تاریخی شیخ عبدالصمد نطنزی و آرامگاه معاصر حافظ شیرازی چگونه تبیین می‌گردد؟

## ۲. پیشینه تحقیق

معماری به‌عنوان یک پدیده اجتماعی از فرهنگ نشئت گرفته و بر آن تأثیر می‌گذارد و آینه‌ای است از اندیشه‌های انسان

ارزش معماری سنتی ایران توجه به معماری بومی و فرهنگ و هنر اسلامی بوده است (افراز و اسد بیگی، ۱۴۰۱: ۷۹).

رحمتی زاده و همکاران نیز، در مقاله‌ای با عنوان «نقش محیط و فرهنگ در شکل‌گیری آرامگاه‌های دوره اسلامی در حاشیه جنوبی دریای خزر»، به بررسی و مقایسه تطبیقی بقاع گیلان و مازندران پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد معماری آرامگاه‌های دوره اسلامی در مناطق مختلف این دو استان تحت تأثیر عوامل محیطی مثل اقلیم و موقعیت جغرافیایی و عوامل فرهنگی همانند باورها و آداب مذهبی و عرف جامعه متفاوت هستند (رحمتی زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۴).

پژوهش دیگری نیز با عنوان «واکاوی تباین و توافق صور خیال در الگوی خیال‌انگیزی دو بنای قدسی (نمونه موردی: دو بنای مجاور آرامگاه شیخ عبدالصمد و مسجد جامع نطنز)»، بر اساس مبانی فلسفی با تأکید بر مفهوم خیال و ذهن خیالی و با یک رویکرد کیفی انجام پذیرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دو بنای مورد مطالعه ضمن ساخت کلیتی یکپارچه و جاودانه، مظهر اسفار اربعه<sup>۱</sup> عرفانی‌اند. مسجد مظهر سفرهای رو به تاریکی و آرامگاه، مظهر سفرهای رو به نور است. یکی باحالتی پرهیزگارانانه و زاهدانه در دل زمین فرورفته و با ظهوری کم‌رنگ در شهر و درون‌گرایی و تزئینات کم، هیچ تظاهر بیرونی ندارد؛ اما دیگری تظاهری برون‌گرایانه و خیال‌انگیز داشته و با گنبد و سردر رنگین و تزئینات منحصربه‌فرد، حرکت از کثرت به وحدت را به نمایش گذاشته است. در نتیجه گیری بحث از چهار جنبه نسبت زمین و آسمان، ماده و معنا، نور و ظلمت و کثرت و وحدت تباین و توافق دو بنا تحلیل شده است (حمزه نژاد، اکبری و انصاری، ۱۳۹۹، ۱۹).

بررسی رابطه فرهنگ با معماری آرامگاهی و تأثیر آن در طرح آرامگاه بوعلی سینا همدان نیز، مطالعه دیگری است که با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته است. نتایج این مطالعه بیانگر این است که طراح در طرح آرامگاه بوعلی توانسته؛ جنبه فرمی و ظاهری فرهنگ را با استفاده از فرم‌های معماری آرامگاهی و باتوجه به فرهنگ زمانه و تأثیر مدرنیسم بر معماری، تحقق دهد و جنبه محتوایی با استفاده از رموز و استعارات بکار رفته در بنا تحقق و تجلی یافته است (مؤمنی دهقی، ۱۳۹۷: ۲۸).

در رابطه با فضا، زیبایی‌شناسی و فرهنگ. به همین سبب سبک معماری هر دوره انعکاسی از فرهنگ و هنر آن محسوب می‌شود و با دگرگونی‌هایی که در سایر عرصه‌های زندگی و هنر به وقوع می‌پیوندد، متناسب است. از این رو خصوصیات فرهنگی هر عصری را می‌توان در معماری آن شناخت، زیرا وقتی معماری تحت تأثیر شرایط متفاوت یک دوره مثل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و... به وجود آید به محض پیدایش می‌تواند مستقل و زنده شناخته شود و صفاتی مخصوص را به خود بگیرد. وقتی اثرات به وجود آورنده یک اثر (معماری) از بین بروند آن معماری ممکن است به حیات خود ادامه دهد. حال اگر عوامل به وجود آورنده مطابق با خواستارهای فرهنگی باشد آن معماری ریشه‌ای عمیق می‌گیرد و اگر آن عوامل ناپایدار باشند معماری فاقد حیات می‌شود و عوامل جدید آن را از میان برمی‌دارند (مهتدی و فولادی، ۱۴۰۰: ۲۵).

معماری به مثابه دیدگاه با خواستگاهی که در طول زمان دگرگونی و تحول یا فرود می‌پذیرد، ریشه در فرهنگ دارد که آن نیز هرگز شکلی ثابت را نمی‌پذیرد. بر این اساس چگونه معماری‌ای را خواستن و چگونه آن را آراستن، به عنوان دو لحظه جدا از یک پدیده واحدند. اولی به عنوان لحظه فرهنگی و دومی به عنوان تکنولوژیک، بیانگر فرهنگ معماری گروه‌ها و جوامع به شمار می‌آیند (پرویزی، ۱۳۸۸: ۸۹). در مورد معماری آرامگاهی دو عامل فرهنگی شفاعت و زیارت در مذهب شیعه موجب شکل‌گیری این نوع معماری در ایران شد و با ایجاد فضائی برای زیارت و استمداد از ارواح درگذشتگان در اطراف قبر متوفی رواج یافت. در معماری ایرانی- اسلامی، بیشتر فضاهای آرامگاهی، علاوه بر مقبره بودن، کاربری اجتماعی- فرهنگی نیز دارند و این کاربری فضاهایی مانند کتابخانه، موزه و فضاهای تفریحی توریستی را باتوجه به نیازهای جامعه برای عموم افراد ایجاد کرده است. از این رو، کاربردی بودن مجموعه باعث ماندگاری و جاودانگی این نوع بناها شده است

در خصوص پیشینه مطالعات پژوهشی در این حوزه، افراز و اسد بیگی در مطالعات خود نشانه‌های حکمت هنر اسلامی را در معماری بومی دو آرامگاه ابن سینا و گنبد علویان مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد راز اصالت و

تجزیه و تحلیل نمود (قطبی، ۱۳۹۴: ۳۶). مفهوم هویت ابتدا در دوران یونان باستان، دیدگاه اندیشمندانی نظیر افلاطون و ارسطو در این حوزه، بررسی شد. سپس بایبان تحولات فکری انجام شده در دوره رنسانس، دیدگاه‌های اندیشمندانی چون هابز، دیوید هیوم و دکارت، مطرح شد (تقوایی، ۱۳۹۵: ۶۶). در ادامه نیز با بیان تفکرات انتقادی نیچه، مارکس و هگل نظریات اندیشمندانی چون فوکو، «هایدگر و برگسون» تحت عنوان برخی نظریه‌های شاخص معاصر در رابطه با مفهوم هویت، موردسنجش واقع شد و سرانجام رویکرد تعدادی متفکران اسلامی در رابطه با مفهوم هویت مورد بحث قرار گرفت (گل محمدی، ۱۳۹۶: ۲۸). در این حوزه هویت غالباً به وجود و ذات باری تعالی شناخته می‌شود. اندیشه متفکران این حوزه به‌طور کلی در قالب دو رویکرد فلسفه و عرفان اسلامی، در چهار مکتب شاخص و نزد متفکرانی چون ابن سینا (مشاء)، سهروردی (اشراق)، ابن عربی (عرفان) و ملاصدرا (حکمت متعالیه) مورد مطالعه قرار داده شد (سلیمانی، اعتصاب و حبیب، ۱۳۹۲: ۱۷). همچنین موضوع هویت از نگاه نظریه‌پردازان حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی تحت موضوع علمی که از فلسفه طی دوران مدرن جدا شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این راستا، اکثر نظریات حوزه روان‌شناسی، «هویت» را موضوعی فردی و شخصی می‌دانند که از ویژگی‌های شخصیتی و احساس فرد برگرفته شده است و وحدت، استمرار حیات روانی و یگانگی فرد را شکل می‌دهند (Correa, 2018: 39). جدول (۱) دیدگاه روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و متفکران اسلامی را در مورد هویت و مفهوم آن بیان می‌کند که برگرفته از مقاله سلیمانی و همکاران (۱۳۹۲) است.

جدول ۱. هویت و استنتاج معنا و مفهوم آن از دیدگاه نظریه‌پردازان علوم مختلف

علوم	نظریه‌پرداز	دیدگاه‌ها در رابطه با معنا و ساخت هویت	مؤلفه‌های سازنده
	ابن سینا	وجود اصیل بوده و ماهیت شیء همان حدود وجودی آن است، حقیقت هر شیء وابسته به وجود شیء است، تمایز ماهیت و وجود، وجود به ماهیت اضافه شده (نصر، ۱۳۶۱: ۲۸).	دوگانگی ماهیت و وجود، اصالت وجود
متفکران اسلامی	سهروردی	بیان اصالت ماهیت نسبت به وجود، حقیقت تمامی پدیده‌ها با نور آشکار می‌شود (نصر، ۱۳۶۱: ۷۹).	دوگانگی ماهیت و وجود، اصالت ماهیت
	ابن عربی	بیان وحدت وجود و تقابل‌های ظاهری، حقیقت تمامی اجزاء عالم از حقیقت خداوند است. هویت بیانگر حقیقت در عالم غیب و نهان است (نصر، ۱۳۶۱: ۱۲۵).	ذات باری تعالی، یگانگی، وحدت وجود

باتوجه به پیشینه مطالعاتی پژوهش مشخص گردید که تاکنون پژوهشی با عنوان شناسایی و تبیین مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر شکل‌گیری آرایه‌های معماری آرامگاهی به‌ویژه در آرامگاه‌های شیخ عبدالصمد نطنز و خواجه حافظ شیرازی؛ انجام نپذیرفته است؛ لذا این پژوهش درصدد انجام یافتن آن است.

### ۳. روش تحقیق

این تحقیق از نظر ماهیت، از نوع تحقیقات کیفی با رویکرد فرهنگی و به لحاظ قصد، تفسیری است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و ابزار آن فیش‌برداری از کتب و مقالات معتبر است. نمونه‌های مورد مطالعه دو آرامگاه شیخ عبدالصمد واقع در نطنز و متعلق به دوره ایلخانی به‌عنوان آرامگاه تاریخی و آرامگاه شیخ حافظ واقع در شیراز و متعلق به دوره پهلوی به‌عنوان آرامگاه معاصر برای بررسی تعیین شدند. این دو بنا به دلیل شاخص بودن از لحاظ معماری و نزدیکی شخصیت صاحبان آرامگاه (از نظر شیخ بودن) به صورت هدفمند از میان آرامگاه‌های ایران انتخاب شدند.

### ۴. چارچوب نظری

#### ۴-۱. هویت

کلمه هویت معانی بسیار و ابعاد گسترده‌ای را شامل می‌شود که از یکدیگر جدا نیستند؛ بلکه یکدیگر را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. از دیگر سو پژوهش‌های پیشین بیانگر آن است که پدیده هویت در دوران امروزی، از دگرگونی‌های انجام شده در دوره‌های پیش از مدرن، مدرن و پست‌مدرن تأثیر گرفته است؛ بنابراین برای شناخت کامل و دقیق مفهوم هویت می‌بایست معناهای آن را در حوزه‌های گوناگون و در بازه‌های زمانی مختلف،

ملاصدرا	تشخص هویت به وجود است، هویت از احوال وحدت است و وجود و تشخص و وحدت شیء واحدند، هویت ساریه بیانگر مرتبت احدیت است (سجادی، ۱۳۷۹: ۵۲۹).	وجود، تشخص، وحدت
فروید	بیان تأثیر نهاد یا بخش ناخودآگاه فردی در شکل‌گیری شخصیت (فروید، ۱۳۷۳: ۲۴۹).	انسان (ناخودآگاه فردی)
یونگ	بیان نقش ناخودآگاه جمعی، کهن‌الگوها و نهاد در ساخت شخصیت، فردیت شامل فرایند شکل‌گیری تمایز میان فرد و دیگران (یونگ، ۱۳۸۷: ۱۹۳).	انسان (ناخودآگاه جمعی)، الگوهای ازلی
اریکسون	شکل‌گیری شخصیت محصول رویارویی فرد با محیط (شولتز، ۱۳۷۷: ۲۴۷).	ادراک، مکان، ارتباط
ژاک لاکان	وجود ذهن از منابعی مانند فرهنگ، جامعه و زبان سرچشمه می‌گیرد، تأثیر نظام‌های پیش‌ساخته زبانی در شکل‌گیری من و مخاطب فرد موجودی دویاره میان دو حوزه خودآگاه و ناخودآگاه (ضمیران، ۱۳۸۹: ۷).	مکان، فرهنگ
امیل دورکیم	انسان محصول جامعه، هویت فرد امری قراردادی و اعتباری و محصول مناسبات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی جامعه (نوذری، ۱۳۸۵: ۱۳۶).	فرهنگ، ارتباط
هربرت مید	هویت هر فرد از طریق سازمان‌دهی نگرش‌های فردی دیگران در قالب نگرش‌های سازمان‌یافته اجتماعی یا گروهی شکل می‌گیرد و یا به عبارتی شکل فرد از خود بازتاب نگرش دیگران به او است (گل محمدی، ۱۳۸۹: ۲۲۳).	ادراک، فرهنگ، ارتباط
گیدنز	هویت شخص بازتاب تفسیری فرد در تداوم زمان و مکان است، مسیری که فرد در طول عمر می‌پیماید (گیدنز، ۱۳۸۸: ۴۸).	ادراک، فرهنگ، زمان، مکان، ارتباط
جنکینز	هویت شامل ویژگی‌های انسان به‌عنوان موجودی اجتماعی محصول کنش متقابل فرد و جامعه است (جنکینز، ۱۳۸۱: ۴۴).	فرهنگ، ارتباط
کاستلز	هویت فرایند ساخته‌شدن معنا بر اساس برخی ویژگی‌های فرهنگی (تاجیک، ۱۳۸۴: ۱۴).	فرهنگ، زمان، ارتباط

**گروه اول: عناصر هویت‌ساز کاربردی؛ این عناصر عبارت‌اند از:** «فرم و هندسه»، «رنگ و مصالح»، «سازمان فضایی»، «ورودی و دسترسی‌ها»، «گنبد»، «تزیینات»، «حوض و درختان» که در ادامه به شرح مختصری از این عناصر پرداخته می‌شود:

۱. فرم و هندسه: در گذشته، شکل و ترکیب حجمی فضاهای معماری و همچنین عناصر آن به‌صورت چشمگیری تحت‌تأثیر عوامل و پدیده‌های جغرافیایی و محیط طبیعی شکل می‌گرفتند و در مواردی نیز پدیده‌های فرهنگی، به‌ویژه در مورد بناها و فضاهای آیینی، نقش مؤثری در شکل‌گیری فضاها و عناصر معماری داشتند (سلطان‌زاده، ۱۳۹۳: ۴۴۹). در معماری آرامگاهی، استحکام بنا که کنایتی بر جاودانگی و ماندگاری است دارای اهمیت بیشتری است تا نوآوری و به همین دلیل تغییرات در تنوع فرم معماری آرامگاه‌ها نسبت به بناهای دیگر همچون مساجد ناچیز است (مؤمنی دهقی، ۱۳۹۷: ۲۹). این دسته از بناها به علت مخاطبان خاص خود که عارفان هستند به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که پاسخگوی نیازهای آن‌ها هستند. بنابراین

در تحلیل دیدگاه‌های اندیشمندان در ارتباط با مفهوم هویت و معماری، می‌توان دو جریان کلی را مشاهده کرد. شکل اول جریانی است که در آن معماری به‌عنوان نمادی از هویت فرد و جامعه در نظر گرفته می‌شود. به‌عبارت‌دیگر هویت و معماری یکی از مهم‌ترین ارکان شکل‌دهنده یک تمدن هستند که رابطه نزدیکی با شناخت و حفظ هویت ملی آن کشور دارند. در مقابل، در شکل دوم هویت در خود اثر و به‌عنوان معنا، مفهوم و ویژگی‌های اثر مورد بررسی قرار می‌گیرد (کریمی و پارسا، ۱۳۹۸: ۱۱).

معماری ایران که یکی از غنی‌ترین نمونه‌های معماری بومی با دستاوردهای فرمی و نیارشی قابل‌ذکر در جهان است، در گذر از دوران اسلامی به یکی از نمونه‌های موفق معماری مفهومی، معناگرا و عرفانی بدل شده است. در عین حال تأثیر کالبد و فرم معماری به‌عنوان ظرف مکانی که معلولی از فرهنگ جامعه است، در بازنمایی این مفاهیم تأثیر بسزایی دارد (نظیف، ۱۳۹۲: ۶۲). رابطه هویت و معماری را می‌توان با استفاده از دو گروه مؤلفه‌های سازنده هویت مورد بررسی قرارداد که عبارت‌اند از:

محقق می‌سازد. در آرامگاه‌ها و بناهای مذهبی معمولاً فضای ورودی و شکل مسیر حرکت را به گونه‌ای طراحی می‌کردند که ورود به داخل بنا با خضوع و طمأنینه صورت گیرد. در این حالت شکل مسیر به صورت غیرمستقیم بوده و چنانچه ناگزیر به استفاده از مسیر ورود مستقیم بودند، برای ورود با خضوع طول مسیر را افزایش می‌دادند.

۵. سازمان فضایی: طی مراتب برای رسیدن به کمال، همواره در فرهنگ اعتقادی و عرفانی مسلمانان مورد توجه بوده است. در جهان بینی توحیدی، نگاهی کمال‌گرا به انسان شده است و این جهان را مرحله‌ای از گذار به سوی کمال نهایی تصویر کرده است. در معماری نیز برای تداعی مفهوم گذار از دنیای خاکی به ماوراء گاه به زبان تذکار و گاه در یک فرآیند ادراکی، شخص را به گذار از یک مرحله به مرحله ای دیگر فراخوانده‌اند. سلسله مراتب در معماری، نمودی از این تلاش برای بیان مفهوم گذار و جنبه تدریجی فرآیند ادراک است. این اصل به عنوان یکی از اصول بنیادی در هنرهای سنتی شناخته شده است که در ترتیب رسیدن به یک فضا و دسترسی از بیرون به درون ظهور می‌یابد و با سلسله مراتب وجودی که بالاتر از مرتبه مادی مربوط به آن قرار دارد؛ نیز منطبق و هماهنگ است (نصر، ۱۳۸۰: ۴۳).

۶. گنبد: اولین عنصر مورد توجه در بنا حضور گنبد بر بالای مقابر است. این عنصر یک اثر هنری واقعی است، آمیزه‌ای عالی از مجسمه‌سازی و معماری در فضا که تداعی‌کننده طاق بهشت است. نقوش بی‌نظیر گنبد یادآور آسمان و عروج ملکوتی است و سیر به آسمان و عالم سلوک است. فضای زیر گنبد مانند آسمان بر فراز زمین گسترده است و گنبدها روح انسان را با عالم ملکوت پیوند می‌زنند. مرکز گنبد نیز نشانه وحدت و یگانگی است.

۷. تزیینات: تزیینات هندسی و رمز و رازهای نهفته در آن نقش مؤثری در درک فضا از دید طراح دارد. در بناهای آرامگاهی تزیینات به کاررفته می‌تواند مخاطب را به هدف اصلی که عرفان و سلوک است، نزدیک نماید.

۸. حوض و درختان: آب عامل تطهیر و پاکی، تمرکز است. درختان و سبزه‌ها معرفت بخش و باد عامل رحمت و برکت، یادآور رستخیز و دوری از اهریمن و پلیدی است، لذا بررسی

طراحی گویا و فاقد هرگونه ناخوانایی در ورودی‌ها و دسترسی‌ها است. پلان‌ها متقارن هستند و هندسه مشخص در آن‌ها به کاررفته است. فضاها شامل مقبره اصلی، مسجد، خانقاه، ایوان‌ها هستند. فرم بناها غیرمنظم است که اجزاءشان نیز به حالتی نامنظم باهم ارتباط برقرار کرده‌اند و طبیعتاً غیرمتعادل هستند. این نوع فرم‌های نامنظم بیانگر آشفتگی در حرکت هستند که به سبب این نوع آشفتگی ساماندهی فضاها را تا حدودی بر هم می‌زنند.

۲. مصالح: نحوه به کارگیری مصالح در عناصر معماری در داخل و خارج ساختمان یکی از شاخصه‌هایی است که ماهیت معماری یک دوره و هویت و فرهنگ آن سرزمین را مشخص می‌کند. علاوه بر آن، مصالح مورد استفاده در بنا، با مفاهیم روانشناسانه عمیقی که در خود دارد، می‌تواند روحیات حاکم بر بنا را مشخص نماید (فردپور، ۱۴۰۱: ۴۵).

۳. رنگ: رنگ‌ها به عنوان یکی از عناصر مؤثر در هویت بخشی به فضاها و خاطره‌انگیزی محیط‌های شهری مطرح هستند و به شیوه‌های مختلف می‌توانند بر روان و احساسات انسان تأثیراتی عمیق داشته باشند. انتخاب رنگ‌ها توسط افراد بر پایه عوامل متعددی از جمله خصوصیات فردی، فرهنگ، هنجارهای اجتماعی و نظایر آن صورت می‌گیرد. از سوی دیگر رنگ مهم‌ترین عنصر برای نمادپردازی است که به عنوان مکمل تجربه انسان و بازتابی از نحوه تفکر مردم روزگاران شناخته شده است (bakht Nikou & Ghasem zadeh, 2005: 220). جایگاه نور و رنگ در معماری ایرانی از ترکیب فرهنگ، مذهب و هنر ایرانی که در طول زمان تغییر کرده، سرچشمه می‌گیرد. رنگ‌ها در گذشته بیانگر نیروهای خیر و شر بودند، گاه تداعی‌کننده ابلیس، پلیدی و ناپاکی و گاه نشانه تقدس، پاکی و خیر. از آنجاکه رنگ از تجزیه نور شکل گرفته، لذا نمادین‌ترین تمثیل در تجلی کثرت در وحدت است. چراکه از یک سو رنگ همان نور است (وحدت) و از دیگر سو نور با تجزیه تجلیات مختلف رنگینی می‌یابد که همان کثرت است (بلخاری، ۱۳۸۴: ۴۹).

۴. ورودی و دسترسی‌ها: ورودی به عنوان مکانی برای اتصال ساحت دنیایی و جهان مینوی، شانی ماورایی دارد که از طریق مراتب ادراکی، آمادگی مخاطب را برای گذار از ماده به تجرد

شاهد سبک‌های متفاوت معماری بود. هر تغییری در فرهنگ، تغییرات در معماری را به دنبال دارد. معماری قبل از آنکه به صورت یک اثر درآید، شامل شیوه‌ها و آئینی است که فرهنگ مشخصه اصلی آن است (مهتدی و فولادی، ۱۴۰۰: ۲۶). از این رو هیچ‌گاه نمی‌توان یک اثر معماری را بدون شناخت بنیان‌ها و مبانی اندیشه‌های حاکم بر جامعه روز، پیدایش آن اثر مورد تحلیل قرار داده و آن را شناخت.

در معماری سنتی ایران بناها با توجه به هویت و فرهنگ ایرانی و قومی شکل گرفته‌اند و هیچ‌گاه ترکیب و معماری بنا برخلاف باورهای فرهنگی، قومی و دینی مردم آن ناحیه نبوده است. همچنین اصولی همانند اصل وحدت، اصل سلسله‌مراتب، اصل نظم، اصل تقارن، اصل مقیاس و تناسب، اصل تباین فضایی و تضاد و اصل محرمیت به بهترین وجه با استفاده از ابزارهای معمارانه همانند ماده و مصالح، شکل، رنگ، نور و آب در کالبد بناهای سنتی به چشم می‌خورد که در بطن خود نشان از اصول هستی دارند. حتی تزئینات به‌کاررفته نیز که از ارکان فرعی معماری به شمار می‌آیند؛ از این قاعده مستثنی نیستند. معماری آرامگاهی در میان گونه‌های مختلف معماری جایگاه خاصی دارد. این جایگاه و اهمیت، در گروه ارتباط تنگاتنگ آن با فرهنگ عامه است (رحمتی زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۵)؛ بنابراین با بررسی مکاتب هنری از جمله معماری آرامگاهی هر جامعه‌ای می‌توان به غنا و ارزش‌های فرهنگی آن جامعه پی برد. در معماری آرامگاهی نیز، ضمن حفظ هویت‌های فرهنگی در ساخت‌وساز، همواره پنج اصل مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، درون‌گرایی، نیارش (تزئینات بنا) و استفاده از مصالح بومی رعایت شده است (افراز و اسدیگی، ۱۴۰۱: ۸۲).

از سوی دیگر دو عامل شفاعت و زیارت در مذهب شیعه باعث شکل‌گرفتن معماری آرامگاهی و ایجاد فضائی برای زیارت و استمداد از ارواح درگذشتگان در اطراف قبر متوفی گردید به طوری که امکان فاتحه خواندن و نزدیک شدن و لمس سنگ قبر که در فرهنگ آئینی ما ملحوظ است، میسر است. همان‌گونه که اشاره شد اکثر فضاهای آرامگاهی، دارای کاربری‌های دیگری به‌جز مقبره بودن و دارای کاربری اجتماعی نیز بوده‌اند که همین امر باعث به‌وجود آمدن فضاهای دیگری مانند کتابخانه، موزه و فضاهای تفریحی - توریستی شده است که

حضور این عناصر در معماری می‌تواند نمادهای موردنظر طراحان را بهتر مشخص نماید.

## گروه دوم: عناصر هویت‌ساز مبتنی بر انگاره‌های

**محفوظ** که دارای ماهیتی معناگرا و هویت‌بخش بوده و مبتنی بر سه اصل «صورت و معنا در عملکرد»، «اصل وحدت و همگرایی» و «رمزپردازی و رمزگشایی» است. وحدت و تجلی یگانگی حضور خالقی یکتا در تاروپود کالبدی فیزیکی، یکی از عوامل اساسی شکل‌گیری هویت معنوی و فرهنگ قدسی شناخته می‌شود. این مفهوم که بر مبنای اصل توحید در جهان‌بینی اسلامی پایه‌ریزی شده است، پدیدآورنده اصل حرکت از کثرت به وحدت بوده است. نحوه انتظام فضاهای آرامگاه، سلسله‌مراتبی برای سیر به سوی کمال است. سیر از بیرون آرامگاه به درون نیز سیری از بی‌نظمی به نظم و از نقص به کمال است و هر عنصر آرامگاه تلاشی است برای عینی کردن صورت مثالی موجود در عالم خیال.

## ۴-۲. نگرش فرهنگی

واژه فرهنگ دارای مفاهیم گسترده‌ای از نظام‌های ارزشی و مادی هر جامعه‌ای است که در توالی زمان شکل گرفته است (پروین، ۱۴۰۱: ۱۲۲). آثار هنری و محیط‌های انسان‌ساخت برگرفته‌شده از فرهنگ و هویت آن جامعه است. فرهنگ مجموعه پیوندهایی است از: علوم و دانش‌ها، اعتقادات، هنرها، افکار و عقاید، مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی، بایدها و نبایدهای اجتماعی و قانونی، عادات و رسوم که مردم آن جامعه باید به آن احترام بگذارند (کریمی و مؤذن، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

راز جاودانگی آثار هنری ایرانیان را می‌توان حاصل باورها و اعتقادات و فرهنگی دانست که نتیجه آن تجلی وحدت در ساحت کثرت و رهایی از تشویش‌های دنیوی در معنای کلی آن است و دستاورد آن رسیدن به نگاه توحیدی است که انسان قادر به شناخت هستی و وجود خود و خالقش می‌شود و سعادت و کمال فکری و روحی انسان را به دنبال دارد.

معماری همواره به‌عنوان کالبدی که متأثر از اندیشه، نگرش و سنت‌های اجتماع بوده و تأثیرگذار بر رفتار و روح آدمی است شناخته می‌شود. درواقع معماری بازنمایی است از هنر، باورها، رسوم، دانش و فنون انسان‌ها که در تعامل با یکدیگر شکل می‌گیرد. به همین دلیل است که می‌توان در هر دوره زمانی

مقایسه آرامگاه‌های مورد مطالعه تحقیق از دیدگاه فرهنگی، نیاز به بررسی مؤلفه‌های مذکور در معماری آن بناها دارد که در ادامه به تجزیه و تحلیل آن پرداخته می‌شود.

### ۵. بحث و بررسی یافته‌ها

با عنایت به یافته‌های میانی نظری، تحلیل عناصر سازنده هویت در آرامگاه‌های مورد مطالعه به شرح زیر است که جدول (۳) نیز تصاویر مربوط به تحلیل هر یک از عناصر را در آرامگاه‌های شیخ عبدالصمد و حافظ نشان می‌دهد.

### ۵-۱. عناصر هویت‌ساز کاربردی

۱. فرم و هندسه: هندسه بنای حافظیه دارای طراحی گویا و فاقد هرگونه ناخوانایی در ورودی و دسترسی به مقبره است. پلان این آرامگاه متقارن می‌باشد و هندسه مشخص (مستطیل) در آن به کاررفته است. به‌طور کلی در آرامگاه حافظ، فرم به‌صورت منظم و خطی است که اجزایش به حالتی هماهنگ و منظم با یکدیگر ارتباط داده شده‌اند و طبیعتاً دارای یک یا چند محور تقارن می‌باشند. معمار با تلفیق دو سبک برج‌های آرامگاهی و هشت‌ضلعی‌های منتظم، سعی در رسیدن به طرحی بوده است که در آن همه نیازهای کاربردی زمان و نیازهای آرامگاهی با طرحی مطابق با خواست زمان طرح و اجرا شود.

۲. مصالح: در آرامگاه شیخ عبدالصمد اصلی‌ترین مصالح جهت نشان دادن هویت ایرانی اسلامی، استفاده از مصالح بوم‌آورد همچون آجر و خشت است و در گنبد نیز از کاشی‌کاری استفاده شده است. در حافظیه با توجه به اقلیم و مصالح بوم‌آور منطقه، از مصالح سنگ استفاده شده تا فرهنگ ایرانی اسلامی و اقتدار آن را نشان دهد. این در حالی است که در تزیینات این بنا علاوه بر مصالح سنگ از عنصر کاشی نیز استفاده شده است.

۳. رنگ: رنگ غالب به کاررفته در گنبد آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنز، آبی لاجوردی است که نماد هویت معماری ایرانی اسلامی است؛ رنگ سفید در فضای داخلی و خطوط تزیینی جداره‌ها، رنگ خاکی و آجری در جداره‌های رواق‌ها و فضاهای بیرونی و دور حیاط بکار رفته که جملگی از معماری بومی منطقه و معماری هویت‌ساز ایرانی اسلامی گرفته شده‌اند. در آرامگاه حافظ نیز بهره‌مندی از رنگ آبی لاجوردی و سفید در تزیینات و جای‌جای بنا در تلفیق با هنر کاشی‌کاری و حتی در زیر سقف‌ها

مطابق با نیازهای زمانه شکل گرفته است و همین کاربردی بودن مجموعه برای افراد متفاوت باعث ماندگاری، زنده و جاودانگی بودن بنا می‌شود.

در این تحقیق برای شناسایی مؤلفه‌های فرهنگی هویت‌ساز در معماری آرامگاهی، نظریات اندیشمندان مختلف مورد بررسی قرار گرفت که اصول مستخرج از این نظریات در جدول (۲) قابل مشاهده است.

جدول ۲. اصول هویت و فرهنگ معماری از دیدگاه اندیشمندان،

(برگرفته از خیرخواه، ۱۴۰۰: ۱۹۴)

نظریه پرداز	اصول مستخرج
کریس ابل	انطباق با بافت، اقلیم، فرهنگ، نیازهای انسان، روح زمان و فناوری و مصالح (ابل، ۱۳۸۷: ۲۷۵)
جفری برودبنت	انطباق با فرهنگ، اقلیم، فرم و عملکرد، فرم با فناوری و مصالح، نیازهای انسان (برودبنت، ۱۳۸۸: ۱۴)
ایموس راپاپورت	انطباق با بافت (خوانایی)، فرهنگ و نیازهای انسان، قابلیت شخصی‌سازی (راپاپورت، ۱۳۹۱: ۱۵)
کنت فرامپتون	انطباق فرم با فناوری و مصالح، روح زمان، فرهنگ و اقلیم، خلاقیت و نوآوری، تداوم (فرامپتون، ۱۳۸۵: ۱۰۸)
گوردنس کالن	انطباق با بافت، فرهنگ، قابلیت شخصی‌سازی، خلاقیت و نوآوری (کالن، ۱۳۹۰: ۷)
چارلز کوره آ	انطباق با بافت، اقلیم، فرهنگ، نیازهای انسان، روح زمان و فناوری و مصالح و تداوم، قابلیت شخصی‌سازی (Correa, 1983: 10)
جان لنگ	انطباق با بافت، اقلیم، فرهنگ، نیازهای انسان، روح زمان و مصالح، قابلیت شخصی‌سازی، خلاقیت و نوآوری (لنگ، ۱۳۹۰: ۲۷۲)
کوبین لینچ	انطباق فرم و عملکرد (شفافیت)، انطباق با بافت (خوانایی)، انطباق با فرهنگ، (سازگاری)، انطباق با روح زمان، قابلیت شخصی‌سازی، انطباق با نیازهای انسان (لینچ، ۱۳۹۰: ۱۷۲)
کریستین نوربرگ شولتز	انطباق فرم و عملکرد (شفافیت)، انطباق با بافت (خوانایی)، انطباق با فرهنگ، (سازگاری)، انطباق با روح زمان، قابلیت شخصی‌سازی، انطباق با نیازهای انسان (نصر، ۱۳۸۷: ۷۱)

با عنایت به مطالب ذکر شده، در خصوص هویت معماری ایرانی در آرامگاه‌ها و رابطه آن با نگرش فرهنگی می‌توان چنین بیان نمود که هویت معماری ایرانی آرامگاه‌ها به چهار مؤلفه «کالبد و ساختار»، «ارزش‌ها هنجارهای زمان»، «همخوانی با بستر» و «انطباق با روح و روان مخاطب» بستگی دارد که این مؤلفه‌ها رابطه‌ای مستقیم و دوسویه با فرهنگ منطقه ایجاد می‌کند؛ لذا

به‌وفور دیده می‌شود که نمایانگر هویت ایرانی‌اسلامی همراه با پاکی و خلوص مکان است.

۴. دسترسی‌ها: برخلاف بنای حافظیه که دارای یک ورودی است؛ آرامگاه شیخ عبدالصمد سه ورودی دارد. یک ورودی جنوبی و دو ورودی شمالی، در حالت عمومی به چند دلیل برای یک بنا ورودی‌های متعدد می‌ساختند: امکان بهره‌برداری از فضاهایی با کارکردهای متفاوت با سهولت دسترسی به بنا برای عده زیادی از مراجعه‌کنندگان و سهولت دسترسی به بنا از معابر و نقاط مختلف. ورودی‌های سمت شمال بنا هم‌سطح حیاط هستند، ولی ورودی جنوبی دهلیزی است که با ۱۲ پله بلند به کف راهروی حیاط می‌رسد. قرار دادن پله در ورودی سبب می‌شود که زائر در بدو ورود با خضوع به فضای این آرامگاه وارد شود.

۵. سازمان فضایی: شیوه اصلی ارتباط فضاهای گوناگون در آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنز از طریق سازمان‌دهی آن‌ها با یک فضای مشترک انجام می‌گیرد. این فضای مشترک برای اینکه عملکرد فضای حیاط، خلوت‌ها و یا رواق‌ها هستند و سبب سازمان‌دهی این نوع فضاها در کلیت بناها شده‌اند؛ اما در بنای حافظیه ارتباط فضایی از طریق سلسله‌مراتب دسترسی درون باغ با گذر از مسیر آب و فضای سبز انجام می‌پذیرد.

۶. گنبد: در بنای حافظیه گنبد بالای مقبره نشان از وحدت و مرکزیت دارد و با توجه به کشیدگی و رنگ آبی لاجوردی‌اش سیر

۷. تزیینات: کاشی‌کاری‌های متنوع و حکاکی‌ها و کنده‌کاری‌های روی سنگ‌ها در ستون و بدنه آرامگاه حافظ نقشی به سزایی در حالت عرفانی این آرامگاه دارند و هویت ایرانی‌اسلامی را به نمایش گذاشته‌اند. در آرامگاه شیخ عبدالصمد کاشی‌کاری‌های هفت‌رنگ و معقلی بارنگ غالب آبی و فیروزه‌ای، رنگ‌های آرامش بخشی هستند که حالت عرفانی را در مخاطب ایجاد می‌کنند. در پوشش زیرین گنبدها مقرنس‌کاری‌های گچی با طرح گل و گلبرگ که به سمت پایین بازدهاند و نقوش اصلی آن‌ها از عناصر گیاهی است که در بردارنده مفاهیم عرفانی هستند.

۸. حوض و درختان: برخلاف بنای آرامگاه شیخ عبدالصمد که فاقد حوض و درخت است؛ در بنای حافظیه به حضور آب تأکید شده است؛ گویی که این عنصر جزء جدایی‌ناپذیر و ملزومه این بنا می‌باشند. حوض آبی که در وسط صحن آرامگاه حافظ وجود دارد؛ باعث می‌شود که سه عنصر «آب» و «باد» و «فضای سبز» در کنار هم علاوه بر تلطیف کردن، فضا حس عدم تعلق و فرازمینی را به مخاطب عارف خود القا کنند.

جدول ۳. تحلیل عناصر هویت‌سازی کاربردی در آرامگاه‌های مورد مطالعه (یافته‌های تحقیق)

عناصر	آرامگاه شیخ عبدالصمد	آرامگاه حافظ
فرم و هندسه	پلانی آشفته و غیرمتقارن، فرم نامنظم، هندسه بنا چندضلعی و شکسته نامتقارن	پلان آرامگاه مربع‌مستطیل، هندسه بنا متقارن، فرم بنا منظم و خطی با یک یا چند محور تقارن
مصالح	مصالح بوم‌آورد (آجر و خشت و کاشی)	سنگ و کاشی و گنبد از جنس مس
رنگ	آبی لاجوردی و سفید، خاکی و آجری	آبی لاجوردی و سفید

				دسترسی	
یک ورودی	یک ورودی جنوبی و دو ورودی شمالی				
		ارتباط فضایی از طریق سلسله‌مراتب دسترسی درون باغ با گذر از مسیر آب و فضای سبز	سازمان‌دهی فضاها با فضای مشترک حیاط، حیاط خلوت و رواق‌ها	سازمان‌دهی فضایی	
		هشت‌ضلعی شبیه به کلاه صوفیان بروی هشت ستون	هرمی (هشت‌وجهی مخروطی شکل) دوبرگشته	گنبد	
		کاشی‌کاری‌های متنوع، حکاکی‌ها و کنده‌کاری‌های روی سنگ‌ها در ستون و بدنه آرامگاه	کاشی‌کاری، مقرنس‌کاری گچی و منبت‌کاری	تزیینات	

آشکار انسان است. مسیر حرکت به سمت مقبره در یک خط مستقیم است که خود نشان‌دهنده محور گرایی در معماری ایرانی است. با توجه به اینکه حافظ یکجانشین بوده است، آرامگاه او به صورت نیمه درون‌گرا طراحی شده است، اما در تمام عناصر،

**ب. عناصر هویت‌ساز مبتنی بر انگاره‌های محفوظ**  
 ۱- عناصر چهارگانه مبتنی بر اصل صورت و معنا در عملکرد در آرامگاه حافظ، فضای مقبره باز است و باد به آرامی توانایی گردش در فضا را دارد که نشان‌دهنده عقیده حافظ به باطن

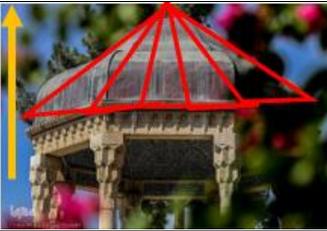
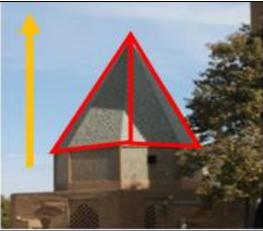
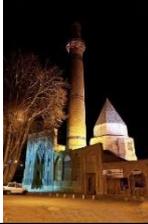
سیال بودن معماری حفظ شده است. در این بنا، اهمیت به عنصر آب و طبیعت نیز به وضوح در طراحی باغ - مزار وجود دارد. انگاره‌های محفوظ عناصر هویت‌ساز در آرامگاه حافظ که در جدول ۴. تحلیل عناصر چهارگانه و معانی هویت‌ساز آن‌ها در آرامگاه‌های مورد مطالعه (یافته‌های تحقیق)

فضا	عناصر	وضعیت	تصاویر
آرامگاه شیخ عبدالصمد	خاک	جداره‌های خاکی در صحن محمدشاهی و شاه‌عباسی	
	آب	-	
	باد	وزش باد بدون کنترل	
صحن آرامگاه حافظ	آتش	تابش آفتاب	
	خاک	کف‌سازی و جداره مقبره	
	آب	حضور آب در حوض	
	باد	وزش باد از روی خاک و درختان	
	آتش	تابش آفتاب	

یکی دیگر از عناصر تجلی دهنده اصل وحدت در آرامگاه، همان‌طور که بیان شد، نور است. بازشوهایی که در فضاهای آرامگاه شیخ عبدالصمد وجود دارند، نقش بسزایی در تأمین نور، تهویه، دید نداشتن به فضا، بسته‌بودن فضا و میزان خصوصی‌بودن دارند. بازشوهایی موجود که بیشتر در بدنه گنبد قرار دارند و پنجره‌هایی مشبک از چوب در جلوی آن‌ها جهت تنظیم و تعدیل نور و کاستن از شدت نور مستقیم خورشید نصب گشته است، سبب ورود نور و ایجاد سایه‌روشن‌های عرفانی در فضا گشته است که این عمل فرم‌های داخل فضا را از یکدیگر تفکیک می‌نماید. در آرامگاه حافظ، بسته نبودن جداره‌ها نقش بسزایی در تأمین نور، تهویه، دید داشتن به فضای سبز و باغ دارند. بسته نبودن جداره‌ها در مقبره و استفاده از ستون و گنبد راهکارهایی است که معمار برای تنظیم و تعدیل نور و کاستن از شدت نور مستقیم خورشید در این فضا استفاده نموده است. جدول (۵) تحلیل این عناصر را در آرامگاه‌های مورد مطالعه تحقیق نشان می‌دهد.

۲- عناصر هویت‌ساز مبتنی بر اصل وحدت و همگرایی در آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنز، معماران از اصل وحدت با استفاده از عناصری چون هندسه و نور در بستری عظمت گرا، متمرکز با حضور مکرر عناصر که تنها ذکر خالقی یگانه را می‌گویند، بهره برده‌اند. تأکید معماران این بنا بر کانون و مرکزیت فضایی (با ایجاد تقارن در پلان)، جفت‌سازی تزیینات همچون (مقرنس‌ها، گوشه‌بندی‌ها، فرم طاق‌ها و ایوان‌ها) و تقارن، محوربندی و جایگزینی فضاهای اصلی بر روی محورهای اصلی، از جمله تکنیک‌هایی است که معماران این بنا جهت تجلی مفهوم والای وحدت، در قالبی مادی و فیزیکی از آنان بهره جسته‌اند. در آرامگاه حافظ، نیز تأکید معمار این بنا بر الگوی باغ ایرانی بوده و با ایجاد تقارن در پلان، محوربندی و جایگزینی فضاهای اصلی بر روی محورهای اصلی، به تجلی مفهوم والای وحدت، در قالبی مادی و فیزیکی از آنان پرداخته است.

جدول ۵. عناصر هویت‌ساز مبتنی بر اصل وحدت و همگرایی در آرامگاه‌های مورد مطالعه (یافته‌های تحقیق)

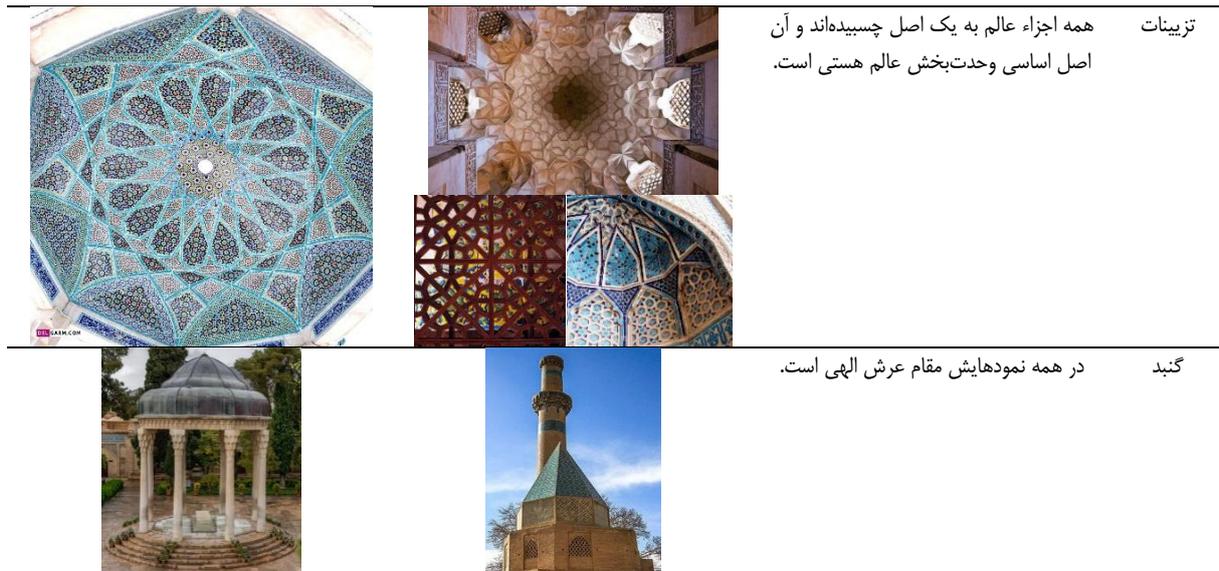
عناصر هویت‌ساز	نمادها و مفاهیم	تصویر
هندسه	حرکت از کثرت به وحدت	<div style="display: flex; justify-content: space-around;"> <div style="text-align: center;"> <p>آرامگاه حافظ</p>  </div> <div style="text-align: center;"> <p>آرامگاه شیخ عبدالصمد</p>  </div> </div>
نور	نور جلوه خداوند و حضورش در معماری اسلامی به‌ویژه در آرامگاه که به‌نوعی خانه خداوند است.	<div style="display: flex; justify-content: space-around;">    </div>

۳- عناصر هویت‌ساز مبتنی بر اصل رمزپردازی و رمزگشایی رمزپردازی یکی از روش‌های متعددی است که انسان همواره برای ارتباط با هم‌نوعان و انتقال اندیشه‌ها، احساسات، خواسته‌های خویش و اطرافیان به‌کار برده است. این اصل در معماری با به‌کارگیری اعداد مقدس، هندسه قدسی و اشکال رمزی انجام پذیرفته است. در آرامگاه شیخ عبدالصمد

سلسله‌مراتب سیر به‌سوی کمال مبتنی بر هندسه‌ای شکل گرفته است که اعداد رمزی دارد و در آرامگاه حافظ سیر از بیرون به درون، سیری از نقص به کمال است که مبتنی بر وجود مقبره در انتهای باغ شکل می‌گیرد. همچنین استفاده از عدد هشت مقدس در گنبد هر دو آرامگاه یکی دیگر از رمزهای نهفته در آن‌هاست (جدول ۶).

جدول ۶. عناصر هویت‌ساز معماری مبتنی بر اصل رمزپردازی و رمزگشایی در آرامگاه‌های مورد مطالعه (یافته‌های تحقیق)

عناصر هویت‌ساز	نمادها و مفاهیم	تصویر
مقرنس	مقرنس تمثیلی از فیض نور در عالم مخلوق خداوند	<div style="display: flex; justify-content: space-around;"> <div style="text-align: center;"> <p>آرامگاه حافظ</p>  </div> <div style="text-align: center;"> <p>آرامگاه شیخ عبدالصمد</p>  </div> </div>
نور	در حکمت ایرانی مراتب برای رسیدن به حضور الهی به‌صورت نور تجلی می‌یابد. <sup>۲</sup>	<div style="display: flex; justify-content: space-around;">    </div>
آب	ارتباط تطهیر درونی با بیرونی	<div style="display: flex; justify-content: space-around;"> <div style="text-align: center;"> <p>آرامگاه حافظ</p>  </div> <div style="text-align: center;"> <p>-</p> </div> </div>



تزیینات همه اجزاء عالم به یک اصل چسبیده‌اند و آن اصل اساسی وحدت‌بخش عالم هستی است.

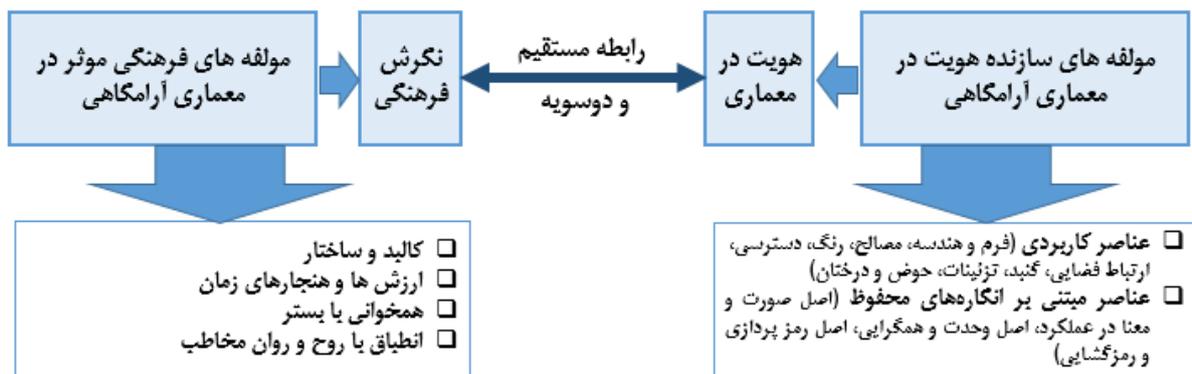
گنبد در همه نمودهایش مقام عرش الهی است.

## ۶. نتیجه‌گیری

در معماری آرامگاه‌ها از گذشته تا به امروز می‌بایست مسئله پیوند گذشته و حال از طریق به‌کارگیری مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی اسلامی و اصول آن حفظ شود. چراکه به‌واسطه‌ی همین عناصر است که هویت در میان بناهای آرامگاهی ایران زمین در گذشته حفظ شده است و بنادر میان طیفی از شبکه معنایی برآمده از محیط فرهنگی و ساختارهای هویتی قرار گرفته است. از سوی دیگر از آنجاکه بناهای آرامگاهی امروز با شتاب و بدون توجه به مؤلفه‌های هویت معماری ایرانی برپا گردیده‌اند؛ این طیف معنایی ثابت نبوده و هر آن ممکن است تغییری هرچند نامحسوس را ایجاد نماید؛ تغییری که نه تنها از خود بنا بلکه از محیط فرهنگی مؤثر و نیز ساختار هویتی ناشی می‌شود. براین اساس برای تبیین مؤلفه‌های سازنده هویت در آرامگاه‌های معاصر ایران می‌بایست به مقوله فرهنگ توجه بیشتری شود. از این رو پژوهش حاضر به بررسی مؤلفه‌های فرهنگی سازنده هویت در معماری آرامگاه‌های تاریخی و معاصر می‌پردازد. یافته‌های حاصل از مبانی نظری نشان می‌دهد که با شناخت هویت و معنای نهفته در ذات عناصر و اجزاء کالبدی آرامگاه‌ها و یا نماد و نشانه همراه بافهم ویژگی‌های آن‌ها، می‌توان مؤلفه‌های هویت معماری ایرانی در این بناها تبیین نمود. لازمه این امر، شناخت و آگاهی از فرهنگ است. در راستای شناخت

مؤلفه‌های هویت معماری ایرانی در آرامگاه‌ها یافته‌ها در قالب عناصر ساختاری، عناصر کاربردی و حتی نمادها و نشانه‌ها به‌صورت اسطوره مشخص شدند که حفظ این عناصر در معماری معاصر موجب باززنده‌سازی هویت ایرانی اسلامی می‌شود.

مطابق آنچه در مبانی نظری ارائه گردید؛ مؤلفه‌های هویت‌ساز معماری آرامگاه‌های ایرانی را می‌توان در قالب دو گروه عناصر هویت‌ساز کاربردی شامل «فرم و هندسه»، «رنگ و مصالح»، «سازمان فضایی»، «ورودی و دسترسی‌ها»، «گنبد»، «تزیینات»، «حوض و درختان» و عناصر هویت‌ساز مبتنی بر انگاره‌های محفوظ که مبتنی بر سه اصل «صورت و معنا در عملکرد»، «اصل وحدت و همگرایی» و «رمزپردازی و رمزگشایی» است، تقسیم‌بندی نمود. از سوی دیگر مؤلفه‌های فرهنگی هویت‌ساز در معماری آرامگاه‌ها عبارت‌اند از: «کالبد و ساختار»، «ارزش‌ها و هنجارهای زمان»، «همخوانی با بستر» و «انطباق با روح و روان مخاطب» که مطابق شکل (۱) رابطه‌ای مستقیم و دوسویه با نگرش فرهنگی دارند. این یافته‌های می‌تواند پاسخی برای سؤال اصلی تحقیق باشد، مبنی بر اینکه «از دیدگاه فرهنگی مؤلفه‌های سازنده هویت معماری ایرانی در آرامگاه‌ها کدام‌اند؟»؛ لذا با شناسایی و بازخوانی این عوامل و ترکیب و بازنمایی آن‌ها با عوامل سازنده هویت معماری در بناهای آرامگاهی می‌توان به ایجاد بناهایی هویت‌مند پرداخت.



شکل ۱. هویت معماری ایرانی در آرامگاه‌ها و رابطه آن با نگرش فرهنگی

یک اصل چسبیده‌اند و آن اصل اساسی وحدت‌بخش عالم هستی است.	
قرارگرفتن در این مکان آرامش روحی به مخاطب داده می‌شود و خرد اقلیم ایجاد می‌گردد. این آرامش جلوه‌ای از ذات الهی است که موجب هویت‌بخشی به بنا می‌شود.	حوض و درختان
خاک از مصالح در دسترس و ارزان معماری ایرانی است که پرهیز از بیهودگی و خودبسندگی و تکرار الگوهای گذشته معماری ایرانی اسلامی را نشان می‌دهد. آب ارتباط تطهیر درونی با بیرونی است. باد نماد بارز حرکت است که با وزش نسیم احساس عرفانی و رهایی در مخاطب ایجاد می‌کند. نور پرتو ذات پاک و مقدس الهی است که جلوه حضور خداوند در فضاست و باعث دلگرمی دل زائر به رحمت و بخشایش الهی است. این عناصر چهارگانه طبیعت به‌نوعی بیانگر هویت مکان قدسی و امر قداست هستند.	عناصر چهارگانه طبیعت (خاک، آب، باد، آتش یا نور)

در دوران معاصر، مؤلفه‌های هویت‌ساز معماری بناهای آرامگاهی، باید منتج از آرامگاه‌های تاریخی ایران باشند و به‌گونه‌ای طراحی و اجرا گردند که مخاطب حضور خود را در فضا حس کند و در هر لحظه بتواند در فضا حرکت کند و با حرکتش در فضا، با هر قدمی که برمی‌دارد بتواند هویت ایرانی را در کالبد مادی و غیرمادی بنا مشاهده نماید. برای دستیابی به این امر و تبیین بهتر مؤلفه‌های فرهنگی و هویت‌ساز معماری ایرانی اسلامی در آرامگاه‌های معاصر پیشنهاددهای زیر ارائه می‌گردد:

۱. فهم عمیق ماهیت مصالح ساختمانی آرامگاه‌های ایران به‌ویژه آجر که در سرشت خود تبلور مصالحی بوم‌آورد بوده و تطهیر کننده است و انسان را به زمین به‌مثابه مبدأ و مقصد زندگی پیوند می‌دهد و استفاده از آن.

در پاسخ به سؤال دوم تحقیق مبنی بر اینکه «مؤلفه‌های هویت‌ساز فرهنگی در معماری آرامگاه تاریخی شیخ عبدالصمد نطنزی و آرامگاه معاصر حافظ شیرازی چگونه تبیین می‌گردد؟» می‌توان تحلیلی را که در جدول (۷) انجام شده است، ارائه نمود. جدول ۷. تحلیل مؤلفه‌های سازنده هویت در آرامگاه‌های مورد مطالعه با نگرش فرهنگی (یافته‌های تحقیق)

عناصر سازنده هویت	تحلیل
فرم و هندسه	باتوجه به آنکه در اماکن قدسی تنها یک راه مستقیم از طلب تا فقر و فنا و رسیدن به خدا وجود دارد، مؤلفه‌های هویت‌ساز در این اماکن همچون فرم و هندسه به‌صورت خطی هستند.
رنگ و مصالح	رنگ‌ها تجلی کثرت در وحدت هستند و مصالح بومی و محلی بیانگر همخوانی و انطباق کامل معماری با طبیعت اطراف آن و پرهیز از بیهودگی و خودبسندگی است.
سازمان فضایی	طی مراتب برای رسیدن به کمال را منزل‌به‌منزل نشان می‌دهد.
ورودی و دسترسی‌ها	ورودی خضوع را ایجاد می‌کند و بهانه‌ای است برای قرارگرفتن در اولین مرحله هویت فرهنگی و انسانی
گنبد و گنبدخانه	گنبد در همه نمودهایش مقام عرش الهی است. در گنبدخانه فرد به بالاترین مرتبه تفکر به خود و خودشناسی می‌پردازد و با زیارت مقابر و قرارگرفتن در فضای گنبدخانه که حس عروج پیدا می‌کند، توانایی درک هویت انسانی را می‌یابد.
تزیینات (مقرنس)	تزیینات، به‌صورت نماد هویت ایرانی اسلامی در اماکن قدسی است. مخاطب پس از دیدن فام کاشی‌کاری و تزیینات بنا، از هویت دینی و ملی به معرفت و عرفان با احدیت خداوند به توحید و حیرت و با بخشاینده‌گی خدا به استغنا، فقر و فنا می‌رسد. مقرنس تمثیلی از فیضان نور در عالم مخلوق است که نشان می‌دهد همه اجزاء عالم به

**پی‌نوشت**

۲. خلق سلسله‌مراتب موقعیت‌های حضور به‌مثابه حرکت در فضای آرامگاه. در این زمینه، تأکید بر محورهای افقی و عمودی ارتباط با بنا و آسمان یکی از اصولی است که در بناهای آرامگاهی تاریخی همواره مورد توجه بوده است؛ این اصل می‌تواند مشتمل بر الگوهای اقلیمی و پایداری منطقه باشد تا موجب پایداری هویت بنا گردد.
۳. نمود نشانه‌ها و نمادهای هویت معماری ایرانی‌اسلامی در تمام عناصر کالبدی آرامگاه بالأخص در تزیینات که نشان از هویت بنا دارند. این نوع از تزیینات می‌تواند با الگوهای مدرن تلفیق شده و فرم بنا را حتی از حالت منظم خارج کند.

**منابع**

- ابل، کریس (۱۳۸۷). معماری و هویت، ترجمه: فرح حبیب، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- افراز، سمیرا؛ اسد بیگی، مسعود. (۱۴۰۱). واکاوی نشانه‌های حکمت هنر اسلامی در معماری بومی همدان (مورد مطالعه: آرامگاه ابن سینا و گنبد علویان)، مطالعات میان‌رشته‌ای معماری ایران، ۱۱(۱): ۷۷-۸۷. doi: 10.22133/isia.2022.321812.101
- برودبنت، جفری. (۱۳۸۸). با برادبنت، درباره معماری، ترجمه: نیلوفر رضوی، هدیه نوربخش و کیوان جورابچی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- بلخاری قهی، حسن. (۱۳۸۴). تجلی نور و رنگ در هنرهای اسلامی ایران: تهران: نشر سوره مهر.
- پرویزی، الهام. (۱۳۸۸). معماری ملی از دیدگاه هویت فرهنگی، مطالعات ملی، ۱۰(۳): ۸۱-۱۰۸.
- پروین، نادر. (۱۴۰۱). پیوند مؤلفه‌های فرهنگی هویت ایران باستان با امر سیاست در شاهنامه، مطالعات ملی، ۲۳(۲): ۱۲۱-۱۳۶. doi: 10.22034/rjnsq.2022.327570.1360
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۴). انسان مدرن و معماری هویت، مطالعات ملی، ۲۱: ۷-۲۸.
- تقوایی، سید حسین. (۱۳۹۵). هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، ۲۳ (۲): ۶۵-۷۳. doi: 10.22059/jfaup.2012.30161
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱). هویت اجتماعی، ترجمه: تورج یاراحمدی، تهران: موسسه نشر و پژوهش شیرازه.
- حمزه نژاد، مهدی؛ اکبری، علی؛ انصاری، شبنم. (۱۳۹۹). واکاوی تباین و توافق صور خیال در الگوی خیال‌انگیزی دو بنای قدسی (نمونه موردی: دو بنای مجاور آرامگاه شیخ عبدالصمد و مسجد جامع نطنز). پژوهش‌های معماری اسلامی، ۸ (۲): ۱۷-۳۸. http://jrja.iust.ac.ir/article-1-1299-fa.html
- خیرخواه، مجید. (۱۴۰۰). تلاش برای حفظ جایگاه هویت معماری همراه با توسعه شهرنشینی در معماری معاصر با تأکید بر آسمانخراش هامونگ چین. شباک، ۷(۲): ۱۸۹-۱۹۸.
- راپاپورت، آموس. (۱۳۹۱). فرهنگ، معماری و طراحی، ترجمه: ماریا برزگر و مجید یوسف نیا پاشا، ساری: انتشارات شلفین.
- رحمتی زاده، علی؛ سلطان‌زاده، حسین؛ اعتصام، ایرج؛ مختاباد امرئی، سید مصطفی. (۱۳۹۸). نقش محیط و فرهنگ در شکل‌گیری آرامگاه‌های دوره اسلامی در حاشیه جنوبی دریای خزر، اندیشه معماری، ۳(۵): ۶۰-۸۳. DOI:10.30479/at.2019.10608.1189

- سجادی، سید جعفر. (۱۳۷۹). فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۳). نقش جغرافیا و فرهنگ در شکل‌گیری بام در واحدهای مسکونی، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۶(۲): ۴۶۹-۴۴۹. DOI:10.22059/jhgr.2014.51573
- سلیمانی، محمدرضا؛ اعتصام، ایرج؛ حبیب، فرح، (۱۳۹۲). بازشناسی مفهوم و اصول هویت در اثر معماری، هویت شهر، ۱۰(۱): ۲۶-۱۵.
- شولتز، دوان. (۱۳۷۷). نظریه‌های شخصیت، ترجمه: یحیی سید محمدی، تهران: نشر هما.
- ضیمران، محمد. (۱۳۸۹). میشل فوکو، دانش و قدرت. تهران: انتشارات هرمس.
- فرامپتون، کنت. (۱۳۸۵). منطقه‌گرایی انتقادی، ترجمه: ایمان رئیسی، معماری و فرهنگ، ۲۶: ۱۰۸-۱۲۰.
- فردپور سارا. (۱۴۰۱). تقابل و تعامل اصالت معنایی و مصالح مدرن ساختمانی در آثار معماری امروز ایران. نقش‌جهان - مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی، ۱۲ (۳): ۴۲-۶۲  
DOI: 20.1001.1.23224991.1401.12.3.7.1
- فروید، زیگموند. (۱۳۷۳). خود و نهاد، ترجمه: حسین پاینده، ارغنون، ۳: ۲۵۲-۲۲۹.
- قطبی، علی‌اکبر. (۱۳۹۴). مفهوم هویت و معماری امروز ایران، فرهنگ و هنر، آیین خيال، ۱۱: ۳۵-۴۳.
- قهرمانی، ندا. (۱۳۹۶). حکمت هنر اسلامی و تجلی آن در معماری بومی ایران؛ مطالعه موردی: معماری بومی کرمانشاه، سومین کنگره بین‌المللی علوم زمین و توسعه شهری و اولین کنفرانس هنر، معماری و مدیریت شهری، تهران.
- کالن، گوردن. (۱۳۹۰). گزیده منظر شهری، ترجمه: منوچهر طبیبیان، تهران: دانشگاه تهران.
- کریمی، علی؛ پارسا، ندا. (۱۳۹۸). سیاست‌گذاری هویت ملی و الزامات راهبردی آن برای ایران، مطالعات ملی، ۲۰(۱): ۳-۲۰.  
DOI:20.1001.1.1735059.1398.20.77.1.5
- کریمی، علی؛ مؤذن، محمدهادی. (۱۳۹۰). تنوع فرهنگی، تداوم همزیستی آن‌ها در ایران، مطالعات ملی، ۱۲(۱): ۲۵-۵۲.  
Doi:20.1001.1.1735059.1390.12.45.2.6
- گل محمدی، احمد. (۱۳۹۶). جهانی‌شدن فرهنگ و هویت، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۹). جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۸). تجدد و شخصیت (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)، ترجمه: ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
- لنگ، جان. (۱۳۹۰). آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط). ترجمه: علیرضا عینی فر. تهران: دانشگاه تهران.
- لینچ، کوین. (۱۳۹۰). تئوری شکل شهر، ترجمه: سید حسین بحرینی، تهران: دانشگاه تهران.
- مهتدی، علیرضا؛ فولادی، وحدانه. (۱۴۰۰). آمیختگی فرهنگ و معماری شهری با سرشت انسان ایرانی، پژوهش‌های مرمت و معماری ایرانی و اسلامی، ۴(۱۱): ۲۰-۳۱.
- مؤمنی دهقی، کورش (۱۳۹۷). بررسی رابطه فرهنگ با معماری آرامگاهی و تأثیر آن در طرح آرامگاه بوعلی سینا همدان، پژوهش‌های مرمت و معماری ایرانی و اسلامی، ۱(۱): ۲۵-۳۲.
- نصر، سید حسین. (۱۳۸۰). سه حکیم مسلمان، ترجمه: احمد آرام. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی (چاپخانه سپهر).
- نظیف، حسن. (۱۳۹۲). پایداری اندام‌های معماری ایرانی در گذار از دوران اسلامی. باغ نظر، ۱۰(۲۴): ۵۷-۶۸.
- نوذری، حسینعلی. (۱۳۸۵). نگاهی تحلیلی به روند مفهوم هویت در قالب‌های سه‌گانه هویت سنتی، مدرن و پست مدرن، فصلنامه مطالعات ملی، ۲۶: ۱۲۷-۱۴۶.

- نوربرگ شولتز، کریستیان. (۱۳۸۲). گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان، ترجمه: ویدا نوروز برازجانی، تهران: نشر جان جهان.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۷). انسان و سمبل‌هایش. ترجمه: محمود سلطانیه، تهران: نشر جامی.
- Abel, C. (2008). Architecture and Identity. Translated by Farah Habib. Tehran: Islamic Azad University Press, Science and Research Unit. (In Persian)
- Afraz, S. & Asafdbeigi, M. (2022). Analyzing the Signs of Wisdom of Islamic Art in Native Architecture of Hamadan, Case of Study: Ibn Sina's tomb and Alawite dome. *Interdisciplinary Studies of Iranian Architecture*, 1(1), 77-87. doi: 10.22133/isia.2022.321812.1010. (In Persian)
- Bolkhari Ghahi, H. (2005). Manifestation of Light and Color in Iranian Islamic Arts. Tehran: Soreh Mehr Publication. (In Persian)
- Broadbent, G. (2009). Conversations with Broadbent, on Architecture. Translated by Niloufar Rezvani, Hadiye Noorbakhsh, and Keyvan Jorabchi. Tehran: Shahid Beheshti University Press. (In Persian)
- Correa, C. (2018). Architecture and Identity. Singapore: Concept Media Pte Ltd.
- Faradpour, S. (2022). The Conation and Interaction of Authenticity of Meaning and Architectural Interests Contemporary Iranian Architectural. *Naghshe-e- Jahan, Studies and Modern Technologies Architecture and Urban Planning* 12(3): 42-62. DOI: 20.1001.1.23224991.1401.12.3.7.1 (In Persian)
- Frompton, K. (2006). Critical Regionalism, translated by Iman Raeisi. *Architecture and Culture*, 26, 108-120. (In Persian)
- Ghahremani, N. (2017). The Wisdom of Islamic Art and Its Manifestation in the Architecture of Iran; Study: Indigenous Architecture of Kermanshah, Third International Congress on Earth Sciences and Urban Development and the First Conference on Art, Architecture, and Urban Management, Tehran. (In Persian)
- Ghotbi, A. (2015). The Concept Identity and Contemporary Iranian. *Culture and Art, Ainey-e-Khial*, 11: 35. (In Persian)
- Giddens, A. (2009). Modernity and Self Society and Personal Identity in the New Era. Translated by Naser Movafaghian. Tehran: Nashr-e Ney. (In Persian)
- Golmohammadi, A. (2010). Globalization, Culture, Identity. Tehran: Nashr-e Ney. (In Persian)
- Golmohammadi, A. (2017). Globalization of Culture and Identity, 3rd Edition, Tehran: Nashr-e Ney. (In Persian)
- Gordon, K. (2011). Selected Urban Landscape, translated by Manouchehr Tabibian, Tehran: University of Tehran.
- Hamzanezhad, M; Akbari, A; Ansari, Sh. (2020). Exploring Contrasts and Convergences of Imagination Forms in the Infographic Pattern of Two Sacred Buildings (Case Study: Two Adjacent Buildings of Sheikh Abdol Samad Shrine and Jame Mosque of Natanz). *Journal of Islamic Architecture Research*, 8(2), 17-38. <http://jria.iust.ac.ir/article-1-1299-fa.html> (In Persian)
- Jenkins, R. (2002). Social Identity, translated by Touraj Yarahamdi. Tehran: Shiraz Publication and Research Institute. (In Persian)
- Karimi, A; Moazzen, M.H. (2011). Cultural Diversity and Their Continuity of Coexistence in Iran, *National Studies*, 12(1), 25-52. Doi:20.1001.1.1735059.1390.12.45.2.6 (In Persian)

- Karimi, A; Parsa, N. (2019). National Identity Policy and Its Strategic Requirements for Iran, *National Studies*, 20(1), 3-20. DOI:20.1001.1.1735059.1398.20.77.1.5 (In Persian)
- Kheirkhah, M. (2021). Efforts to Preserve Architectural Identity in Urban Development in Contemporary Architecture with an Emphasis on the Hamoon Chin Skyscraper. *Shabak*, 7(2), 189-198. (In Persian)
- Lang, J (2011). *Creation of Architectural Theory (Role of Behavioral Sciences in Design)*. Translated by Alireza Einifar. Tehran: University of Tehran. (In Persian)
- Lynch, K (2011). *The Theory of Urban Form*. Translated by Seyed Hossein Bahraini. Tehran: University of Tehran. (In Persian)
- Mohtadi, A; Foladi, V. (2021). Integration of and Urban Architecture with the Nature of Iranian People. *Research in Restoration and Iranian Islamic Architecture*, 4(11), 20-31. (In Persian)
- Momeni Dehghi, K. (2018). Investigating the relationship between culture and tomb architecture and its effect on the design of Bu Ali Sina tomb in Hamedan. *Research in Restoration and Iranian-Islamic Architecture*, 1(1), 25-32. (In Persian)
- Nasr, S.H. (1982). *Three Muslim Philosophers*. Translated Ahmad Aram. Tehran: Sepaher publications. (In Persian)
- Nazif, H. (201). Sustainability of Iranian Architectural Elements in Transition from the Islamic Period. *Bagh-nazar*, 10(24), 57-68. (In Persian)
- Nikou bakht, N. Ghasem zadeh, A. (2005). Symbolism of Color in Contemporary Poetry. *Journal of Literature and Human Sciences of bahonar University*, 18, 209-237
- Norberg-Schulz, Ch. (2003). *Aspects of Architecture: Meaning and Place*. Translated by Vida Norouz Barazjani. Tehran: Jan-e Jahan Publications. (In Persian)
- Nozari, H.A. (2006). An Analytical at the Conceptual Evolution of Identity in Traditional, Modern, and Postmodern Paradms. *National Studies*, 26: 127-146. (In Persian)
- Parvin, N. (2022). The Link between the Cultural of Ancient Iranian Identity and Political Affairs in the Shahnameh. *National Studies*, 23(2):121-136. doi: 10.22034/rjnsq.2022.327570.1360. (In Persian)
- Parvizi, E; Bamaniyan, M.R; Mahdavi Nezhad, M.J. (2018). A New Approach to Explaining the Elements of Architecture Identity for Enhancing the Bodily Identity of Historical Fabrics. *Urban Planner*, 73:43-55. (In Persian)
- Rahmatizadeh, A; Soltanzadeh, H; Etesam, I; Mokhtabad Amri, S.M. (2019). The Role of Environment and Culture in the Formation of Islamic Era Tombs in the Southern Margin of the Caspian Sea. *Architecture Thought*, 3(5), 60-83. DOI:10.30479/at.2019.10608.1189 (In Persian)
- Rapoport, A. (2012). *Culture, Architecture, and Design*, translated by Mariya Borzgar and Majid Yousufnia Pasha. Sari: Shelfin Publication. (In Persian)
- Sadjadi, S.J. (2000). *A Glossary of Philosophical Terms in Mulla Sadra*, Tehran: Publishing and Printing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Persian)
- Schultz, D. (1998). *Personality Theories*, translated by Yahya Seyyed Mohammadi. Tehran: Homa Publishing. (In Persian)
- Soleimani, M.H; Etesam, I; Habib, F. (2013). Revisiting the Concept and Principles of Identity in Architecture Work, *Urban Identity*, 25(10), 15-26. (In Persian)

- 
- Soltanzadeh, H. (2014). The Role of Geography and Culture in Forming Rooftops in Residential Units, Human Geography Research, 46(2), 449-469. DOI:10.22059/jhgr.2014.51573 (In Persian)
  - Tajik, M.R. (2005). Modern Human and the Mystery of Identity. National Studies, 21, 7-28. (In Persian)
  - Taqvai, S.H. (2016). From Style to Architectural Identity, Fine Arts, Architecture, and Urbanism, 23(2), 65-73. doi: 10.22059/jfaup.2012.30161 (In Persian)
  - Zigmund, F. (1994). The Ego and the Id, translated by Hossein Payandeh, Arghanon, 3: 252-229.

## **Identifying and Exploring Identity-Building Components in Funerary architecture with a Cultural Perspective (Case Study: Shrines of Sheykh Abdul Samad and Hafiz)**

Mojgan Rezapana<sup>1</sup>, Vahid Ghobadian<sup>2\*</sup>, Fereshteh Habib<sup>3</sup>

(Receive Date: 08 May 2024    Revise Date: 30 June 2024    Accept Date: 09 November 2024)

### *Research Article*

#### **Abstract**

**Introduction:** shrine buildings are among the architectural works that were created based on the customs, culture and religion of their country. Therefore, to know the identity of architecture and art hidden in this type of buildings; He examined the social, religious, cultural concepts, etc. of that country, which was formed in the context of historical periods. Considering that the contemporary architecture of Iran is facing many challenges, the tombs and other holy places that are built in our country, often do not benefit from the principles and components of the identity of Iranian architecture that represent the identity and culture of the country. It seems that explaining the principles and foundations of the identity of Iranian architecture and recovering its components in the bodies of contemporary tombs and providing solutions and approaches to improve the identity of Iranian architecture in contemporary tombs of Iran is an urgent matter. The main goal of the research is to identify and explain the components of identity in the architecture of Iranian shrines with a cultural perspective, so that by recovering and using them in contemporary architecture, today's shrines can be transformed into identity buildings. In order to achieve the goal of the research, two main questions are raised as follows: 1- From a cultural point of view, what are the components of architectural identity in Iran's shrines? 2- How can the components of cultural identity be counted in the architecture of contemporary shrines in Iran?

**Methodology:** In terms of nature, this research is qualitative research with a philosophical approach and in terms of intention, it is interpretive. The research method is descriptive-analytical and data collection is based on library studies. The method of analyzing the data is in the form of inductive reasoning. In order to achieve the goal of the research, the identity building components of architecture and cultural factors in the interaction between identity and architecture were investigated in two historical (shrine of Sheikh Abdul Samad) and contemporary (shrine of Hafez).

**Results:** The findings show that the architectural identity factors (including: body and structure, values and norms of the time, harmony with the background and adaptation to the audience's soul and psyche) and cultural factors (including: texture, climate, physical factors, expression of the spirit of the time and adaptation to human needs) are one of the most important factors in the interaction between identity and architecture, and by identifying and rereading, combining and representing them with the factors that form architectural identity in tomb buildings, it is possible to create identity buildings. Although these components have been emphasized and paid attention to in both studied tomb buildings, cultural changes and the way the architect looks at meeting socio-cultural needs are among the factors that cause the difference in the architecture of the two buildings.

**Conclusion:** In a general summary and taking into account the direct and two-way relationship between architectural identity building components and cultural attitude, we can draw the following conclusion. that the integration of traditional and modern physical elements in form, materials and geometry, as well as the use of environmental and climatic patterns such as garden and pavilion patterns, the four elements of nature and paying attention to the region's climate can revive the identity, Iran's rich Islamic architecture and culture should also maintain sustainability and economic efficiency.

**Conflict of interest:** None declared.

**Keywords:** architectural identity, cultural factors, shrine, Hafez shrine, Sheikh Abdul Samad shrine

---

<sup>1</sup> PhD Candidate, Department of Architecture, Faculty of Architecture, Emirates Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

<sup>2</sup> Associate Professor, Department of Architecture, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding author).  
v.ghobad@yahoo.com

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of Architecture, Pardis Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.